

تقلید ابتدایی از میت

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سؤال^۱: اگر حجت دلیل، برهان است نه مؤلف آن، چرا برخی تقلید ابتدایی از میت را اجازه نمی دهند، به ویژه در غیر از مسائل مستحدثه (مسائل نوپدید)؟

پاسخ: پاسخ سوال شما بسته به تعریف مفهوم تقلید و مسئله رجوع جاهل به عالم متفاوت به نظر می رسد. نظریه رایج در فقه در مورد تقلید می گوید سیره عقلایی و شرع مقدس خواهان رجوع جاهل به عالم است تا جاهل به گفته عالم عمل کند، چه جاهل دلیل آن را بفهمد یا نه و چه به آن قانع شده باشد یا نه، درست مثل رجوع ما به طبیب (پزشک)، در این صورت حجت تنها برهان است، اما فقط برای شخص مجتهد، زیرا مقلد بنا بر فرض به مرجع رجوع نمی کند تا از او دلیل بگیرد و به گفته او خود یقین پیدا کند، بلکه تنها برای تبعیت از آن به مجتهد رجوع می کند چرا که خود جاهل به حکم بوده و باید برای تقریح ذمه خود از احکام شرعی واقعی به سراغ مجتهد برود با توجه به این که خودش مجتهد نبوده و احتیاط نمی کند.

اما اگر نظریه غیر متداول را در نظر بگیریم که می گوید آنچه شرع و عقلا حکم می کنند این است که جاهل نزد عالم برگردد تا به آنچه می گوید اطمینان پیدا کند نه به دلیل مطلق پیروی از آن، بی آن که اقناعی برای وی حاصل شود. در این صورت دلیل و برهانی که این عالم در این مورد اقامه می کند، می تواند در حجیت گفته این عالم در حق شخص جاهل مؤثر باشد، به گونه ای که این دلیل بتواند احساسات اقناع به حکم شرعی را در نفس جاهل ایجاد کند و

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفکر والدین والاجتماع ۲: سوال ۳۰۹.

چه بسا این اقتناع به حکم از طریقی غیر از برهان برای افراد ایجاد شود مثل بسیاری از عوام که از موضع اعتماد به خود عالم به حکم قانع می شوند.

بنابراین در بین مجتهدان و متخصصان، ملاک برهان و دلیل است، در حالی که در رابطه عالم با سایر افراد از مقلدین او، نسبت تبعیت (بر اساس اعتقاد به اصل مبدأ اقتدا و تبعیت) بر اساس برداشت و فهم رایج از مفهوم تقلید است و نسبت و رابطه قانع شدن بر اساس فهم غیر متداول از نظریه تقلید است.

بر این اساس، علما می گویند که ادله بر اشتراط حیات در مرجع تقلید دلالت می کند و در این صورت، برهان در این جا از جانب فرد عامی که از مرجع تقلید می کند، ارزشی ندارد؛ زیرا ملاک برای او یقین و اقتناع به اصل مبدأ تقلید است، نه آنچه از این مبدأ ساخته یا منشعب شده است، اما اگر نظریه غیر غالب را بگوییم، ممکن است گفته شود که لازم است که فرد عامی به وجوب تقلید از شخص زنده از مجتهدین قانع شود اگر قانع نشد، می تواند به قول میتی را که تقلید از میت جایز می بیند، و این شخص کالام وی را قانع کننده می بیند عمل کند.